instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com
روزنامه شرق

گفت‌وگوی احمد غلامی با موسی اکرمی و اکبر قنبری درباره کتاب «درسگفتارهای کاپیتال» - بخش آخر

جوانشیر، علیه نئولیبرال‌های ایرانی

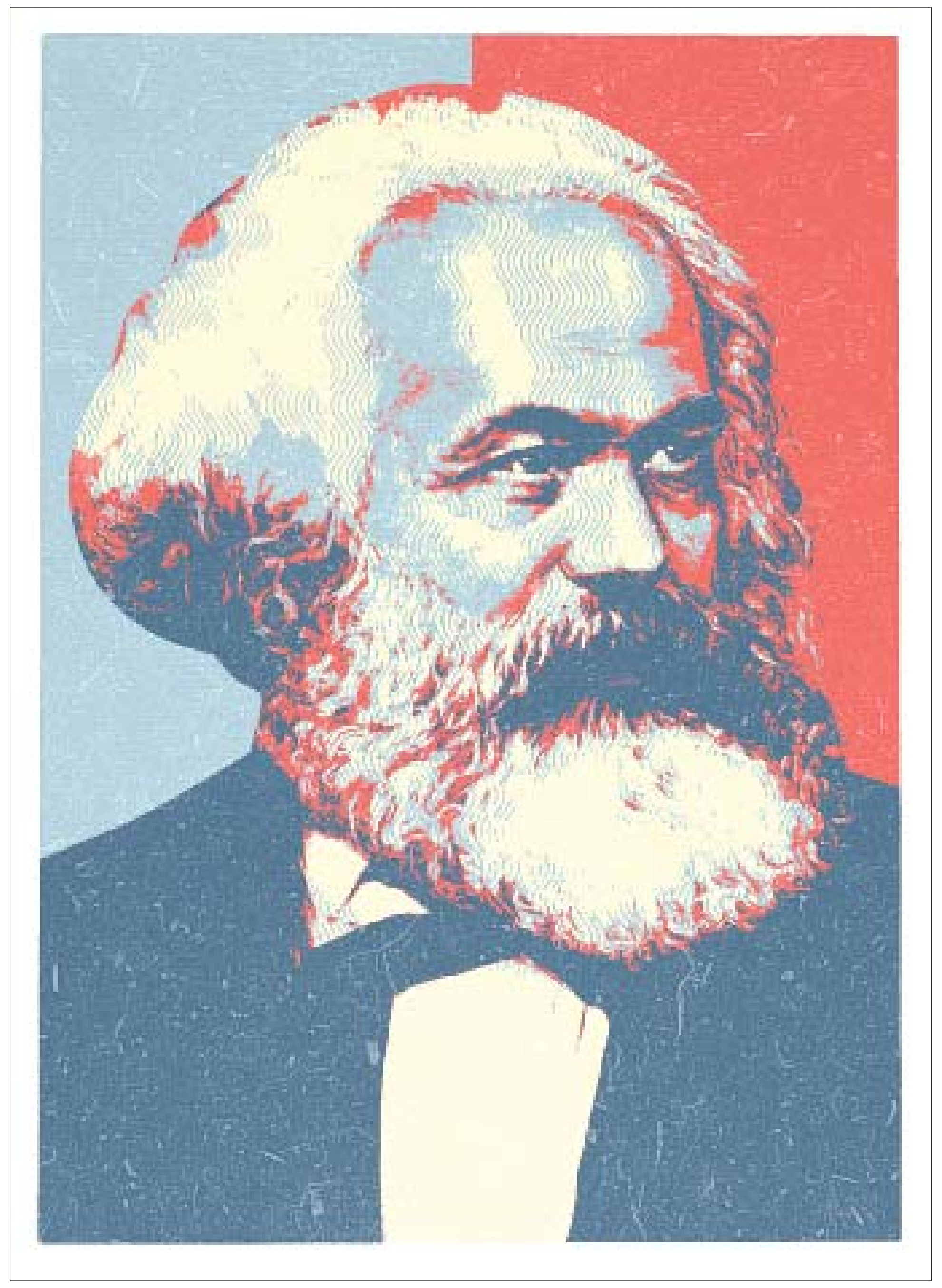

بحث و بررسی کتاب «درس‌گفتارهای کاپیتال» جوانشیر، در برنامه «برخورد» با اهمیت «کاپیتال» مارکس به‌عنوان متنی بنیادین و مبنایی کلاسیک در حوزه اقتصاد و اقتصاد سیاسی آغاز شد و در جلسه دوم این نشست به خود درس‌گفتارهای جوانشیر در زندان اوین رسید؛ از ماجرای برقراری کلاس‌های درس «کاپیتال» و ایده تدریس جوانشیر در زندان اوین، تا چگونگی گردآوری آن درس‌گفتارها و صداهای ضبط‌شده جوانشیر و زمینه و زمانه‌ای که تدریس «کاپیتال» از طرف یک زندانی سیاسی معتقد به مارکسیسم و زیر اعدام را ممکن کرد. اکبر قنبری در این نشست از فضای نقد و بحثی می‌گوید که ابتدای دهه ۶۰ شکل گرفته بود و اینکه جریان مذهبی که به قدرت رسیده بودند، این ضرورت را حس می‌کردند که باید آرا و دیدگاه‌های مارکس درباره اقتصاد را دست‌کم به‌عنوان معارضی فکری بشناسند و توان درک «کاپیتال» را داشته باشند. موسی اکرمی، استاد فلسفه علم نیز به شوق، دقت نظر، بیان روشن و واضح و بدون پیچیدگی درس‌گفتارهای جوانشیر اشاره می‌کند که کتاب را بسیار خواندنی کرده و معتقد است خواندن «کاپیتال» ضروری است؛ اما اگر کسی به هر علتی در ایران نمی‌تواند آن را بخواند، درس‌گفتارهای جوانشیر به‌عنوان یک شرح خیلی خوب در دست است. در بخش پایانی نشست بررسی «درس‌گفتارهای کاپیتال» با حضور اکبر قنبری و موسی اکرمی، به محتوای این درس‌گفتارها، نسبت آن با شرایط آن روزگار ایران و اهمیت این درس‌گفتارها در تاریخ اندیشه سیاسی ایران پرداخته‌ایم.

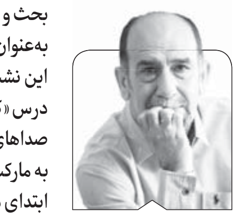

در این بخش از گفت‌وگو درباره کتاب «درسگفتارهای کاپیتال» جوانشیر، مایلم درباره چگونگی شکل‌گیری و به‌طور کلی حکایت انتشار این درسگفتارها صحبت کنیم. آقای قنبری چطور پای شما به اوین باز شد و به زندان رفتید و این درسگفتارها چگونه شکل گرفت؟ در مورد شخصیت آقای جوانشیر هم لطفا کمی صحبت کنید.

اکبر قنبری: پس از انقلاب با دو جریان عمده روبه‌رو بودیم و فضای عمومی هم یک فضای نقد و بررسی بود. در سال ۱۳۵۹ یا ابتدای دهه شصت چندین مناظره و میزگرد شکل گرفت که یکی از آنها با محوریت مباحث فلسفی بود. در میزگرد فلسفی آقایان مصباح، سروش، احسان طبری و فرخ نگهدار حضور داشتند. میزگرد اقتصادی با حضور بنی‌صدر و بابک زهرایی که سوسیالیست بود برگزار شد و یک مناظره سیاسی هم بود که کیانوری و بهشتی و دیگران در آن حاضر بودند. این فضا، فضای عمومی ایران در آن دوره بود و قطعا در حوزه هم همین فضا وجود داشت. بعد از اینکه نیروهای جدید وارد حوزه شدند طبیعتا آنها هم با فضای تازه‌ای که در جامعه و در پی انقلاب شکل گرفته بود آشنا شدند. مدرسه‌هایی تشکیل شده بود و جریاناتی به‌خصوص در حوزه و دانشگاه وجود داشت که آن‌ها هم نسبت به اقتصاد حساس بودند. این‌ها عمدتاً در مؤسسه «در راه حق» بودند و بعد از انقلاب فرهنگی گفتند می‌خواهیم متون اسلامی را تدوین کنیم. کتابی هم تحت عنوان «اقتصاد اسلامی» یا «مبانی اقتصاد اسلامی» منتشر کردند، کتابی هم درباره حقوق تدوین کردند که زیر نظر آقای مصباح بود. خب در آن دوره این جریان در تشکیلات آقای مصباح، همان مؤسسه «در راه حق» بود. اما جریانات دیگری در قم، بیرون از جریان آقای مصباح، وجود داشت که در شکل مدرسه‌ای تخصصی و زیر نظر آقای منتظری فعالیت می‌کردند. این مدرسه تخصصی دارای سه گروه اقتصاد، فلسفه و تاریخ بود و آنها هم مباحث اقتصادی را پیش می‌بردند و برخی از افرادی که با آقای منتظری مرتبط بودند، مثل آقای سیدحسین موسوی زنجانی، به زندان اوین می‌رفت و امور آموزشی را انجام می‌داد. حتی آقای موسوی آن‌قدر بحث‌های مربوط به دیالکتیک را مطرح می‌کرد که به او می‌گفتند «سید دیالکتیک». کسان دیگری هم بودند که کارهای سیاسی می‌کردند و مثلا بیشترین گزارش‌های داخل زندان اوین را آقای انصاری به آقای منتظری می‌داد. اما یک جریان دیگری هم بود که کار آموزشی می‌کرد. دوستان این گروه، در برخورد با مارکسیست‌ها متوجه شده بودند که آقای جوانشیر در زمینه اقتصادی حرف‌هایی برای گفتن دارد و به ایشان پیشنهاد دادند که شما «کاپیتال» ...

... مفاهیمی را که نیاز داریم از دایره‌المعارف بزرگ روسی ترجمه کنیم. مفاهیمی چون سرمایه، سود مبادله، سود سرمایه، پول، بانک، نظریه‌های اقتصادی، دستمزد و غیره ازجمله آنها بودند. برخی از زندانیان توده‌ای که روسی بلد بودند و به «کاپیتال» هم وارد بودند، مثل مهدی کیهان، قائم‌پناه و محمدزاده، قسمت‌هایی را ترجمه می‌کردند. حتی بخش چهارم «کاپیتال» که آقای دکتر موسی اکرمی اشاره کردند که کائوتسکی روی آن کار کرده بود، به آنها دادیم تا ترجمه‌اش کنند. فکر می‌کنم بخش‌هایی از نظریه‌های ارزش ذاتی را مهدی کیهان ترجمه می‌کرد که هنوز هم داریم. منتها رفتن ما به زندان حساسیت‌برانگیز بود و آن دوره هم سال‌های حساس زندان بود. به آقای موسوی اردبیلی گفته بودند فلانی برای چه به اینجا می‌آید. ایشان هم من را منع کرد و گفت مثل من از راه دور برخورد کن، این‌ها به امام گزارش می‌دهند و امام هم می‌گوید آقای موسوی اردبیلی زندان اوین را روی سرش گذاشته است. حتی ایشان تعریف می‌کرد که یک روز یکی از زندانیان به آقای موسوی زنجانی گفته بوده فلان دارو را دارید و این درواقع رمز حزبی و تشکیلاتی آن زندانیان بوده و آقای موسوی زنجانی از آن بی‌خبر بوده. این رمز بین ایشان ردوبدل شده بود و در همان زندان نزدیک بوده که ایشان بازداشت شود. می‌خواهم بگویم که بحث خیلی ساده‌ای هم نبود که کسی آزادانه به زندان برود و برگردد. کلی هزینه داشت. رفتن و آمدن برای یک جلسه ضبط کردن واقعاً کار مشقت‌باری بود. منتها این کار در حیطه‌های محدودی از حوزه‌های علمیه تداول داشت. اکثراً نمی‌دانستند چه اتفاقی در جریان است. به هر حال کل نوشته‌های آقای جوانشیر، چه آن‌هایی را که درس گفته بود و چه آنهایی که درس نگفته بود و ...

هاینریش با عنوان «کتاب مارکس را چگونه بخوانیم». اما هیچ کتابی به وسعت و گستردگی درسگفتارهای دکتر جوانشیر نیست. جلد اول درسگفتارها که مبتنی بر جلد نخست «کاپیتال» است و البته حتما ملاحظاتی وجود داشته و در عین حال منابع بسیار کمی در اختیار داشته و در همان جلد دوم کتاب در جایی یک میان‌پرده‌ای می‌نویسد و ...

درسگفتارهای کاپیتال
ف. م. جوانشیر
به کوشش: اکبر قنبری
نشر نگاه معاصر

شیرازه

«مقدمه‌ای بر زیبایی‌شناسی» هگل: تحول تاریخی هنر

هنر از دیدگاه هگل

شرق: «مقدمه‌ای بر زیبایی‌شناسی» هگل، شرحی گسترده درباره زیبایی در هنر، تحول تاریخی هنر و همچنین هنرهایی مانند معماری، مجسمه‌سازی، نقاشی، موسیقی و شعر است. چنان‌که مفسران این فیلسوف باور دارند مقدمه‌هایی که هگل بر آثار مهم و بنیادین خود نوشته است، ازجمله زیبایی‌شناسی و پدیدارشناسی روح، خود آثاری مستقل به شمار می‌روند. هگل نیز خود تصریح کرده بود که مقدمه‌نویسی او نه در حکم چکیده اثر اصلی است و نه درآمدی برای آشنایی خواننده با آنچه در پی می‌آید؛ بلکه تأملی در کلیت و جوهره اثر است. هگل هنر را مانند تجربه‌ای معنوی از دین و فلسفه متمایز می‌سازد؛ سپس به بحث نظری درباره هنر می‌پردازد و سرانجام آن را هم از زیبایی طبیعت ممتاز می‌شمارد و هم دامنه سخن را به نبوغ و اصالت هنرمند می‌کشاند. فلسفه هنر هگل تحت تأثیر وینکلمان، کانت و شیلر شکل گرفته است و تز «پایان هنر» او به‌ویژه در هایدگر و آدورنو تأثیر داشته است. اکبر معصوم‌بیگی که در ترجمه آثار مهم فلسفی و نظریه ادبی و هنری سهم بسزایی داشته است، در یادداشتی به‌عنوان مقدمه بر کتاب می‌نویسد که هیچ فیلسوفی نظری بلندتر و مساعدتر از هگل درباره هنر نداشته و با این‌همه هیچ فیلسوفی هم درباره آینده هنر عقیده‌ای چنین بدبینانه نداشته است. معصوم‌بیگی تأکید می‌کند که تازه هگل در دوران زرین فرهنگ و هنر آلمان، عصر گوته، موتزارت و شیلر می‌زیست. «هگل بر آن است که هنرمندان یونان کهن به آمیزه کاملی از محتوا و صورت دست یافتند؛ اما هنرمندان مدرن با ...

... هگل، هنر آلمان را کوچک می‌شمردند، این باور آنها است که در زمانه آفرینندگی هنریِ جدی، اندک تأمل و اندیشه‌ای درباره هنر وجود دارد. اندیشه درباره هنر و فلسفه هنر تنها هنگامی پدید می‌آید که هنر رو به تباهی دارد. اندیشه ژرف‌نگرانه مغایر آفرینش هنری است و به هنری که در آن دخالت می‌کند، گزند می‌رساند. و عصر هگل به‌ویژه عصر انتقاد و اندیشه ژرف‌نگرانه درباره هنر است.

مقدمه‌ای بر زیبایی‌شناسی
گئورگ ویلهلم فردریش هگل
ترجمه علی‌اکبر معصوم‌بیگی
انتشارات نگاه

شیرازه

مروری بر «تبارشناسی حِسبَه» احمد صبحی منصور

اختراع محتسب

شرق: «تبارشناسی حِسبَه» نوشته احمد صبحی منصور به بنیان تفتیش عقاید در خلافت عباسی می‌پردازد. امویان برای توجیه اعمالشان نیازی به فتوای شرعی نداشتند، اما عباسیان که رژیم خود را -به‌اعتبار نزدیکی‌شان به نبی- تحت شعار دینی «الرضی من آل محمد» برپا کردند، به توجیه شرعی نیاز داشتند تا روا بدارد که هرکدام از مخالفانشان را که خواستند به قتل برسانند و از همین رو، وظایف دینی‌ای را برای تحکیم سلطه‌شان به وجود آوردند که از جمله آنها شغل حِسبَه و مُحتسِب بود. محتسب در فارسی آشناست اما «حِسبَه» در لفظ شرعی به این معناست که یکی از مسلمانان برای دخالت در زندگی دیگران داوطلب شود و این دخالت وقتی رخ دهد که آنها مرتکب گناهی در حق خدا یا نوع بشر شده باشند. درمورد کسی که مرتکب گناهانی چون قتل، سرقت، قَذف یا زنا می‌شود اتفاق نظر هست که مستحق مجازات یا به تعبیر فقهی مستحق «حدود» است. این حالتی است که شخص به حقوق بندگان تجاوز می‌کند. آیا درست است که حاکم چنین شخصی را مجازات کند؟ موارد اختلاف در مورد کسی است که با ارتکاب به کفر یا ارتداد یا کوتاهی در اجرای فرایضی مثل نماز و زکات به حقی از حقوق خداوند تجاوز می‌کند. آیا دیگران حق دخالت در زندگی او را با اجبارکردنش به ایمان یا تهدیدش به مجازات دارند؟ و اگر حِسبَه شرعاً به‌معنای دخالت در زندگی دیگران است، این دخالت تنها محدود به نصیحت و توصیه است یا با اکراه و اجبار و مجازات مادی و ...

... به معروف و نهی از منکر و جدال فکری و جدال با اهل کتاب و محاربین و منافقین می‌پردازد و از مفهوم «استتابه» (توبه‌طلبیدن) و واگذاردن حکم به خداوند در روز قیامت، سخن به میان می‌آورد. کتاب سه پیوست جالب‌توجه نیز دارد که یکی به آغاز دادگاه‌های تفتیش عقاید در تاریخ مسلمانان مربوط است و دیگری بررسی سندی درباره یک خبر واحد است که به اصول مربوط به جرح و تعدیل اشاره دارد.

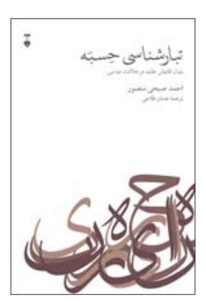

تبارشناسی حِسبَه
بنیان تفتیش عقاید در خلافت عباسی
احمد صُبحی منصور
ترجمه عدنان فلاحی
نشر نو